

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال پنجم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۸

مقایسه سبک‌شناسانه هفت اورنگ جامی با هفت منظر هاتفی

از دیدگاه زیبایی‌شناسی

(ص ۷۳ - ۸۸)

علی اصغر حلبی^۱، سیاوش مرشدی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۲۱

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۸/۱۰

چکیده

در این مقاله میزان تأثیرگذاری «هفت اورنگ جامی» (۸۱۷-۸۹۸ هجری قمری) بر «هفت منظر هاتفی» (۸۲۲-۹۲۷ هجری قمری) بررسی و از سوی دیگر دو اثر با هم مقایسه شده است؛ چون در میان ابزارها و رویکردهای بررسی آثار ادبی، سبک‌شناسی جایگاهی ویژه دارد، از دید سبک‌شناسی به این مسئله پرداخته شده و از میان سه رویکرد سبک‌شناسی (زبانی، فکری و ادبی)، رویکرد ادبی، بویژه فنون بیانی معیار سنجش این دو اثر ادبی قرار گرفته. نخست بطور کلی فنون بیانی دو اثر مشخص و آنگاه موارد تأثیرگذاری جامی بر هاتفی بررسی شده سپس در بخش دوم صد بیت از هر اثر انتخاب و عناصر مورد بررسی جزء به جزء در دو اثر بررسی، آنگاه جدول و نمودار مقایسه‌ای آنها تنظیم شده است. نتایج تحقیق نشان میدهد که برخلاف تصور اولیه، هاتفی علیرغم اظهار شاگردی جامی، در سرودن مثنویهایش چندان هم از جامی تقلید نکرده و شاعری مستقل بوده است.

کلمات کلیدی

سبک‌شناسی، زیبایی‌شناسی، هفت اورنگ جامی، هفت منظر هاتفی، تأثیرپذیری، فنون بیانی

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

۲. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی morshedei_S@yahoo.com

مقدمه

در ارزشیابی و سنجش آثار ادبی، یکی از معیارهای مناسب و کارآمد، بررسی از نظرگاه سبک شناسی است. در بررسی سبک اثر ادبی، از سه منظر: زبانی، فکری و ادبی به آن اثر پرداخته میشود. در میان شاعران سده نهم، بیگمان جامی - خاتم الشعرا - بزرگترین شاعر محسوب میشود که مجموعه هفت مثنوی او با نام «هفت اورنگ» در شعر معاصران و متأخران وی تأثیر بسیار برجای گذاشته است. از میان شاعران روزگار او هاتفی - از نظیره گویان خمسه - اگرچه از نظرگاه شاعری به منزلت جامی نمیرسد ولی در جایگاه خود قابل توجه است، بویژه که مثنویهای او مورد نظر شاعران پس از او بوده است. از میان مثنویهایش، هفت منظر به واسطه استقلال و نوآوری نسبت به نمونه برابر آن در خمسه نظامی (هفت پیکر) جایگاه ویژه دارد. در این مقاله تلاش شده است که بررسی از منظر یکی از مهمترین رویکردهای سبک شناسی؛ یعنی: زیبایی شناسی / سبک ادبی بررسی شود.

۱. پیشینه و روش تحقیق

در زمینه مقایسه سبک شناسانه و زیبایی شناسانه هفت اورنگ جامی و هفت منظر، مقاله یا کتابی مستقل تألیف نشده است، اگرچه برخی مقالات توانمندپهای هفت اورنگ را بررسی کرده‌اند (اسلوب حکایت پردازی در هفت اورنگ جامی، برات محمدی). کتاب هفت اورنگ جامی و هفت منظر هاتفی از مهمترین و تأثیرگذارترین نظیره‌های مثنویهای نظامی است. بیشک هاتفی با آثار نظامی مانوس بود، اما به دو علت، دین او به جامی بیشتر از نظامی است: یکی اینکه جامی بزرگترین شاعر عصر خود بود و هر شاعر دیگر سده نهم از او به نوعی متأثر شده است، و دیگر اینکه نسبت خویشاوندی جامی با هاتفی سبب شد که مستقیم یا غیر مستقیم - از طریق دیدار حضوری و مطالعه آثار - با اندیشه و هنر جامی مانوستر از دیگر شاعران عصر باشد، به ویژه اینکه در منابع آمده که هاتفی پیش از آغاز سرودن مثنویهای نظیره خمسه نظامی، از جامی اجازه خواست و جامی پس از امتحان او، جواز سرایش نظیره‌های خمسه نظامی را به او میدهد. با توجه به این مسائل، دو کتاب هفت اورنگ و هفت منظر بسیار سنجیدنی هستند. از میان عناصر شعری این دو منظومه میتوان آنها را از دیدگاه زیبایی شناسی بررسی کرد. در این میان ما یکی از مهمترین عناصر زیبایی شناسی؛ یعنی: فنون بیانی (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) را برگزیدیم؛ نخست همه این موارد در هر دو اثر انتخاب شده است، سرانجام موارد مشترک در آنها را ذکر کردیم و به نقد و مقایسه آن موارد پرداختیم سپس به صورت موردی و انتخابی، یکصد بیت از هر کدام از منظومه‌ها با یکدیگر

بصورت دقیق و آمار بررسی و مقایسه شده اند تا تفاوتها و شباهتهای این دو شاعر را در این زمینه بخصوص در دو منظومه بتوانیم بشناسیم.

۲. مبانی نظری

۱.۲ هفت اورنگ جامی

از نظیره های برجسته خمسه نظامی، به هفت اورنگ جامی میتوان اشاره کرد که شامل بخشهای زیر میشود: (۱) سلسله الذهب حدود ۶۰۰۰ بیت، به وزن خفیف مسدس مخبون مقصور (در سه اورنگ/سه منظومه جداگانه)؛ (۲) سلامان و ابدال، حدود ۱۱۳۲ بیت، به وزن رمل مسدس محذوف/مقصور) هم وزن با منطق الطیر عطار و مثنوی معنوی مولوی؛ (۳) تحفه الاحرار در ۲۰۰۰ بیت در بحر سریع مسدس مطوی مکشوف، نظیره مخزن الاسرار نظامی؛ (۴) سبحة الابرار حدود ۳۳۰۰ بیت، در وزن رمل مسدس محذوف/مقصور، همان وزن منطق الطیر و مثنوی؛ (۵) یوسف و زلیخا در ۴۰۰۰ بیت، به وزن هزج مسدس مقصور/محذوف که نظیره خسرو و شیرین محسوب میشود؛ (۶) لیلی و مجنون در ۳۸۶۰ بیت در وزن هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف، نظیره لیلی و مجنون نظامی؛ (۷) خردنامه اسکندر در وزن متقارب مسدس مقصور/محذوف، نظیره اسکندرنامه نظامی.

تعداد کل بیتهای هفت اورنگ جامی حدود ۲۳۶۴۰ بیت است. از میان پنج مثنوی خمسه نظامی، جامی سه مثنوی مخزن الاسرار، لیلی و مجنون و اسکندرنامه را بطور مستقیم نظیره گفته است؛ یعنی عیناً به همان شیوه اما برای خسرو و شیرین نظیره یوسف و زلیخا، و برای هفت پیکر هیچ نظیره ای نگفته است، هرچند در سلسله الذهب وزن هفت پیکر (خفیف) را به کار برده، ولی سه اورنگ (بخش) سلسله الذهب هیچ پیوند محتوایی با داستان بهرام و هفت داستان فرعی آن ندارد.

۲.۲ هفت منظر هاتفی

هاتفی خرجردی (ف. ۹۲۷ ه. - از بزرگترین مثنوی سرایان سده نهم هجری و آغاز سده دهم هجری است که منابع گوناگون به اینکه هاتفی خواهرزاده جامی است اشاره کرده اند. او به غیر از مخزن الاسرار، برای همه مثنویهای نظامی نظیره گفته است که این نظیره ها به شرح زیر است: (۱) لیلی و مجنون حدود ۱۹۰۰ بیت؛ (۲) شیرین و خسرو در ۱۸۱۵ بیت؛ (۳) هفت منظر که تاکنون تصحیح نشده و از سوی دکتر حسن ذوالفقاری و نگارنده (سیاوش مرشدی) در دست چاپ است، که در حدود ۲۲۰۰ بیت دارد و از مشهورترین نظیره های هفت پیکر نظامی محسوب میشود؛ (۴) تمزنامه/ تیمورنامه نظیره اسکندرنامه نظامی، حدود ۴۴۰۰ بیت که حماسه ای تاریخی از زندگی تیمور است که هاتفی منبع

تاریخی آن را از شرفنامه علی یزدی اقتباس کرده است؛ ۵) شاهنامه شاه اسماعیل که حماسه تاریخی از زندگی شاه اسماعیل صفوی است که نظیره اسکندرنامه نظامی محسوب میشود. این مثنوی ناتمام ماند و ادامه آن را قاسم گنابادی (۹۸۲/۹۸۴ - ۹۳۰ ه. س) سرود و آن را در سال ۹۵۰ ه. به پایان برد. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ج ۵/۲: ص ۷۲۲)

در میان آثار هاتفی، هفت منظر بسیار برجسته و مهم است. چند نکته دلیل مدعای ما بر اهمیت این اثر است: یکی تعدد نسخه‌های خطی این مثنوی در کتابخانه‌های جهان و دیگر اینکه ترجمه‌ها و اشاره‌هایی به این منظومه در زبانهای غیر از فارسی به این اثر وجود دارد؛ از جمله اینکه لامعی برسوی^۱ (Bursavi) آن را به ترکی نظیره گفته و آ. لالون دو ویلمورن آن را به فرانسوی ترجمه کرده (شیرین و خسرو، هاتفی: XLII) و همچنین در زبان ایتالیایی نیز در کتاب سیاحت (Peregrinaggio) کریستوفورو آرمنو- که در سده شانزدهم م. در ونیز منتشر شد - میتوان رد پای کتاب هفت منظر را پیدا کرد (BERNARDINI, ۲۰۰۴, XXI.V, ۵۵).

هفت منظر، داستان بهرام گور و هفت افسانه‌ای است که هر شب برای او تعریف میشود. اگرچه هاتفی در داستان نخست (روز شنبه) از هفت پیکر نظامی تأثیر پذیرفته است ولی رفته رفته در داستان‌سرایی نوآوری کرده، اگرچه در بخشی از داستان روز چهارشنبه از هشت بهشت امیر خسرو دهلوی تأثیر پذیرفته است.

درباره پیوند خویشاوندی جامی و هاتفی کتابهای مختلف سخن گفته اند. بی هیچ گمان نخستین یا یکی از بزرگترین آموزگاران شعری هاتفی، دایی او جامی - خاتم الشعرا - بوده است. که در منابع ادبی و تذکره‌ها نیز اشاره‌ای به این مسئله شده، از جمله به آزمونی اشاره شده است که جامی از هاتفی برای دریافتن توانایی او در شاعری و نظیره گویی کرده است. در برخی تذکره‌ها به آزمون جامی از هاتفی پیش از تتبع و نظیره سرایی خمسه نظامی اشاره کرده‌اند. در این روایتها چنین آمده که جامی سه بیت زیر از اشعار فردوسی را برای هاتفی خواند:

درختی که تلخ است وی را سرشت گرش در نشانی به باغ بهشت
ور از جوی خلدش به هنگام آب به بیخ انگبین ریزی و شیر ناب

۱. محمود لامعی چلیپی برسوی/ بورسه ای، شاعر و مترجم ترک که بسیاری از آثار فارسی را به ترکی ترجمه کرد؛ به غیر از هفت منظر هاتفی آثار دیگری از ادبیات فارسی را نیز ترجمه کرده است از جمله: نوشته‌های عبدالرحمان جامی. برسو/ بورسه، زادگاه شاعر نام شهری و استانی در شمال غرب ترکیه است.

سرانجام گوهر به کار آورد همان میوه تلخ بار آورد^۱
(تحفه سامی، سام میرزا: ص ۱۶۱)

و از او خواست که آن را جواب گوید. هاتفی چهار بیت زیر را در جواب جامی سرود:
اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت نهی زیر طاووس باغ بهشت
به هنگام آن بیضه پرودنش ز انجیر جنت دهی ارزنش
دهی آبش از چشمه سلسبیل بدان بیضه گر دم زند جبرئیل،
شود عاقبت بیضه زاغ، زاغ برد رنج بیهوده طاوس باغ
(همان)

پس از اینکه هاتفی چهار بیت بدین منظور سرود، جامی او را تحسین کرد و هاتفی برای سرایش نظیره ها، از او رخصت گرفت. (نک. تذکره آتشکده، آذر: ص ۷۸ - ۳۷۶؛ نتایج الافکار، گومپای: ص ۷۸۰؛ ریحانه الادب، مدرّس: ج ۶، ص ۳۴۸)

از دیگر موارد تأثیر جامی بر هاتفی این است که بنابر مشهور بیت آغازین لیلی و مجنون هاتفی از جامی است. گفته میشود که هاتفی پیش از آغاز سرایش این منظومه، نزد جامی رفت و از او خواست که این مثنوی را افتتاح کند، جامی چنین گفت:

این نامه که خامه کرد بنیاد توقیع قبول روزیش بااد!
(تحفه سامی: ص ۱۶۱؛ نک. لیلی و مجنون، هاتفی: ب ۱)

یکی از مواردی که در منظومه های هفت اورنگ و هفت منظر قابل سنجش هستند زیبایی شناسی، و به طور خاص فنون بیانی (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) است. در زیر، در بخش نخست به موارد تأثیر هفت اورنگ بر هفت منظر اشاره شده است، سپس در بخش دیگر صد بیت از هر دو منظومه انتخاب شده و از منظر یادشده با هم بررسی دقیق و آماری شده است.

۳. مقایسه زیبای شناسی هفت اورنگ جامی با هفت منظر

۳.۱. تأثیر زیبایی شناسی هفت اورنگ بر هفت منظر

الف) استعاره

(۱) «قفل حکمت»: استعاره مکنیه غیر تشخیصیه («حکمت» به صندوق جواهر و مانند آن تشبیه شده که «قفل» دارد):

کرد مسواک را لبست دمساز قفل حکمت به چوب کردی باز
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۳)

۱. این سه بیت به گونه زیر در یکی از نسخه بدلهای چاپ مسکو آمده است: «درختی که تلخ است/ او را سرشت/ گوش در نشانی به باغ بهشت - گر از جوی خلدش به هنگام آب/ به پای انگبین ریزی و شهد ناب - سرانجام گوهر به کار آورد/ همان میوه تلخ بار آورد» (شاهنامه، فردوسی: ج ۹، ص ۳۳۵؛ ح. ۴)

«قفل حکمت نه گنجینه دل زنگ ظلمت بر آئینه دل»
(هفت اورنگ جامی: ص ۴۵۰)

۲) «دست سبوی»: استعاره مکنیه / تشخیص:

ساقی گل‌گذار نسرین بوی با ارادت گرفته دست سبوی
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۴۹)

«بیا ساقی آن باده عیب شوی که از خم فتاده به دست سبوی»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۹۳۳)

۳) «دست پیمان»: استعاره مکنیه / تشخیص:

داد ساقی در آن طربخانه دست پیمان به دست پیمان
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۴۹)

«بیا ساقیا کانکه فرزانه است زده دست در دست پیمان است»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۱۰۰۹)

ب) تشبیه

۱) «گرده ماه»: تشبیه بلیغ (مشبه به + مشبه):

چونکه منزل مقام ماهت شد گرده ماه نان راحت شد
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۳)

«ز زنگارگون گرد خوان سپهر بجز گرده ماه یا قرص مهر»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۹۲۵)

«منه دیده بر مهر خوان سپهر بگردان رخ از گرده ماه و مهر» (همان، ۹۵۸)

۲) «شمع ماه»: تشبیه بلیغ اضافی (مشبه به + مشبه):

چونکه بنشست شمع ماه ز سوز مشعل مهر شد جهان افروز
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۲۳)

«مهر را نور ده روز که کرد؟! ماه را شمع شب افروز که کرد?!»
(هفت اورنگ، جامی: ۴۶۹)

۳) «مشعل مهر»: تشبیه بلیغ اضافی (مشبه به + مشبه):

چونکه بنشست شمع ماه ز سوز مشعل مهر شد جهان افروز
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۲۳)

«ور نهد از شرر مشعل مهر آتشین داغ به جان تو سپهر»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۵۱۱)

- ۴) تشبیه «شکم» به «قاقم»:
چشمش آهوی رام با مردم نواف سنجاب گون، شکم قاقم
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۲۳)
- «شکم چون تخته قاقم کشیده به نرمی دایه ناف او بریده» (هفت اورنگ، جامی: ص ۶۰۲)
- ۵) «گوهر پند»: تشبیه بلیغ اضافی (مشبه به + مشبه):
دادش آواز، پیش خود بنشانند گوهر پند از آستین بفشانند
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۳۱)
- «بیا ای جگرگوشه فرزند من بنه گوش بر گوهر پند من» (هفت اورنگ، جامی: ص ۹۲۲)
- ۶) «شتر موج»: تشبیه بلیغ اضافی (مشبه به + مشبه): «شتر موج کف زنان^۱ آمد» (هفت منظر، هاتفی: گ. ۳۲)
- «کوه پیکر موجهها در اضطراب گشته کوهستان از آنها روی آب
یا نه بختی اشتران از هر طرف از سر مستی به لب آورده کف»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۳۴۹)
- در این بیت از جامی «بختی اشتران» استعاره از «موجهها» است.
- ۷) «آتش غضب»
شعله زن گشت آتش غضبش زآنکه افتاد قصه عجیبش (هفت منظر، هاتفی: گ. ۷۵)
«وگر او برق فروزان گردد از غضب آتش سوزان گردد»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۵۵۹)
- ۸) تشبیه «حباب» به «سینه دایه»:
پی آن طفل دایه آمد آب کرد پستان چو دایگان زحباب
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۷۶)
- «بر تنش پستان چو صافی حباب کش نسیم انگیخته از روی آب»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۳۳۲)
- ۹) «غنچه های مراد»: تشبیه بلیغ اضافی (مشبه به + مشبه):
بردشان سوی شاه از زندان غنچه های مراد شد خندان
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۸۲)
- «کاین نامه نه غنچه مراد است زو در دل تنگ صد گشاد است»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۸۶۷)

۱. «کف زنان» صنعت استخدام: (۱) کف موج؛ (۲) کف دهان شتر که در اثر خشم یا مانند آن به وجود می آید.

ج) کنایه

- ۱) «سیاهکاری»: کنایه از «فاسقی. بدبختی. فسق. فجور. ظلم» (لغت نامه)
توبه، یارب! از این سیه کاری باز گردیم از تبه کاری (هفت منظر، هاتفی: گ. ۲)
«بود عمرم سفید طوماری در کف همچو من سیه کاری»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۸)
- ۲) «روباهی کردن»: روباهی، کنایه از «حیله‌گری» (لغت نامه) در اینجا نشان دادن ضعف و شکست خوردن:
پیش آن شیر بیشه شاهی کرد خاقان ز بیم، روباهی
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۸)
- در بیت زیر از جامی، «روبهی کردن»: کنایه از نشان دادن ضعف و شکست خوردن، تسلیم شدن:
«چنگیز که بود گرگ این دشت وین دشت ز گرگیش تهی گشت،
در پنجه مرگ روبه‌هی کرد قالب به مصاف او تهی کرد»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۷۶۲)
- ۳) «از ولایت غور بودن» (در شاهد بیت زیر) گویا کنایه از «نادان و ابله و بی تمدن بودن»^۱ است:
راست گویم، ز عقل بس دوری غالباً از ولایت غوری
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۱۳)
- در حدود العالم درباره مردم این شهر چنین آمده: «و مردمانش بدخواهند و ناسازنده‌اند و جاهل» (حدود العالم من المشرق الی المغرب، تصحیح مریم میر احمدی و غلامرضا وهرام: ص ۲۴. با راهنمایی لغت نامه)
- ۴) «شعر شِعار» کنایه از شعر شناس و توانا در شاعری؛ و مطلق شاعر:
همه تاریخ‌دان و نقل‌گذار همه شان نکته‌دان و شعر شاعر
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۱۶)
- «پیش از این فاضلان شعرشعار کسب کردی فضایل بسپار»
(هفت اورنگ، هاتفی: ص ۶۴)
- ۵) «نعره خروس به گوش آمدن»: کنایه از صبح شدن:
رفته عقل از سر و دماغ از هوش کامدش نعره خروس به گوش
(هفت منظر، هاتفی: گ. ۲۳)

۱. نظامی غوری را نماد «سنگدلی و تندی» توصیف کرده: «هوری تند را اشارت کرد. تا مرا نیز خانه غارت کرد» (خمسه، نظامی گنجوی: ص ۳۰۰)

«صبح از دم گرگ^۱ رایت افراشت/ سگ خفت و خروس نعره برداشت» (هفت اورنگ، جامی: ص ۸۸۳)
 ۶ «محمل بستن»: بستن کجاوه و مانند آن بر روی شتر، کنایه از آماده شدن برای سفر:
 گفت: «گویا که صاحب منزل بسته بر عزم منزلش محمل»
 (هفت منظر، هاتفی: گ. ۲۳)

«کای دریغا، که یار محمل بست بار دل پشت صبر را بشکست»
 (هفت اورنگ، جامی: ص ۲۳۵)

۷ «سر به سپهر سودن»: کنایه از بلندی:
 هست کوهیش سوده سر به سپهر بر سر چشمه‌ای چو چشمه مهر
 (هفت منظر، هاتفی: گ. ۴۲)

«هر دمت از درد دو صد قطره خون از بن هر موی تراود برون
 سود سر ایوان ترا بر سپهر شمسۀ آن گشته معارض به مهر»
 (هفت اورنگ، جامی: ص ۴۲۳)

۸ «سگ از پی [= برای] خواب کردن خرگوش خود را متکا و قاقم پوش کردن»: کنایه از دادگری و امنیت در زمان آن پادشاه (= پادشاه بغداد در افسانه روز پنجشنبه):
 شده سگ متکای و قاقمپوش از پی خواب کردن خرگوش
 (هفت منظر، هاتفی: گ. ۶۸)
 «چون نهد سر به خواب خوش خرگوش گیردش سگ به مهر در آغوش»
 (هفت اورنگ، جامی: ص ۲۶۴)

۹ «بر زمین آمدن»: کنایه از متولد شدن:
 از قضا در همان شب آن فرزند بر زمین آمد و برید ز بند
 «چو یوسف بر زمین آمد ز مادر به رخ شد ماه گردون را برادر»
 (هفت اورنگ، جامی: ص ۵۹۸)

د) مجاز

۱ «پای»: مجاز از «کل انسان» («نه پای و نه پی از کسی دیدن»: کنایه از هیچ اثر از او ندیدن):

خواجه کامد برون ز بلده ری جست زن راه‌نه پای دید و نه پی
 (هفت منظر، هاتفی: گ. ۱۷)
 جامی این مجاز و کنایه را به کار برده، و هاتفی به احتمال زیاد از جامی این مجاز و کنایه را گرفته:

«کردم به طلب همه جهان طی در دستم ازو نه پای، نه پی»
 (هفت اورنگ، جامی: ص ۸۵۹)

۱. «دم گرگ»: صبح کاذب (فرهنگ لغات و تعبیرات خاقانی، ضیاء الدین سجادی: «دم گرگ»)

۳.۲. زیبایی‌شناسی فنون بیانی یکصد بیت انتخابی از هفت اورنگ و هفت منظر

در این بخش یکصد بیت انتخابی از هفت اورنگ (آغاز یوسف و زلیخا) از نظر صورخیال معنوی بررسی، و سپس یکصد بیت از آغاز هفت منظر به همین شیوه تحلیل، و در بخش دیگر به مقایسه این دو بخش پرداخته خواهد شد تا به تفاوت‌های دو شاعر در تصویرسازی معنوی در این دو منظومه پی بریم.

تشبیه در صد بیت انتخابی هفت اورنگ

تشبیه بلیغ اضافی: (۱) «غنچه امید»؛ (۲) «اقلیم سخن»؛ (۳) «گنج دل»؛ (۴) «شکر زبان»؛ (۵) تیغ زبانها (هفت اورنگ، جامی: ص ۵۷۸)؛ (۶) «سرچشمه انعام» (۷) «زیب انجم»؛ (۸) «شاهد گلبن»؛ (۸) «بحر لطف»؛ (۹) «کان جود»؛ (۱۰) «فرش چمن»؛ (۱۱) «ایوان افلاک»؛ (۱۲) «زنگ هوس»؛ (۱۲) «رشته ی دولت»؛ (۱۳) «مُلک یقین» (همان: ۵۷۹)

تشبیه بلیغ غیر اضافی: (۱) «گیاهیم وفا پروده تو» (همان: ۵۸۲)

تشبیه مرسل مفصل: (۱) «نکته باریک چون موی» (همان: ۵۷۹)؛ (۲) «کنی مانند طفلان خاک بازی» (۵۸۰)؛ (۳) «ولی هر یک چو گوی از جنبش خاص / به چوگان ارادت گشته رقص»؛ (۴) «من آن مرغم که دادم دانه تست»؛ (۵) «چو دونان جغد این ویرانه گشتی» (۵۸۰)؛ (۶) «چو غنچه یکدل گردان در این باغ»؛ (۷) «چو لاله گن نشانمدم به یک داغ»؛ (۸) «به راحت سرمه سا کردی جبینم کشیدی سرمه چشم راه بینم» (۵۸۲)

تشبیه مؤکد مفصل (بدون ادات تشبیه): (۱) «تویی آن دست پرور مرغ گستاخ» (همان، «ترتیب دلایل هستی»)

تشبیه مرسل مجمل: (۱) «خلیل آسا در ملک یقین زن» (همان: ۵۸۰)

استعاره در صد بیت هفت اورنگ

استعاره مصرحه: (۱) «روضه جاوید»؛ (۲) «آن غنچه» (استعاره از امید)؛ (۳) «محنت سرای بی مواسا» (استعاره از دنیا)؛ (۴) «خمخانه شیرین فسانه» (دنیا) (همان: ۵۷۸)؛ (۵) «عروسان بهاری» (استعاره از گلها و سبزه های بهاری) (همان: ۵۸۹)؛ (۶) «آئینه» (استعاره از دل) (۷) «کاخ مجازی» (استعاره از دل)؛ (۸) «آن آشیان» (استعاره از عالم بالا)؛ (۹) «این ویرانه» (استعاره از دنیا) (همان، «ترتیب دلایل هستی»؛ (۱۰) «ازرق طیلسانان» (استعاره از ستارگان و سیارگان) (همان، «ترتیب دلایل هستی»؛ (۱۱) «این ویرانه» (دنیا) (همان: ۵۸۱)

استعاره مکنیه: (۱) «نافه طبع» (همان: ۵۷۸)؛ (۲) «زبان را شانه کرده»؛ (۳) «سقف چرخ»؛ (۴) «چار دیوار عناصر»؛ (۵) «ناف غنچه»؛ (۶) «ز بحر لطف او ابر بهاری کند خار و سمن را

آبیاری»؛ ۷) «بام آسمان»؛ ۸) «ز کان جود او باد خزانی کند خار و سمن را آبیاری؛ ۹) «پای وهم و ادراک»؛ ۱۰) «خرد در ذات او آشفته رای»؛ ۱۱) «طلب در راه او بی دست و پای»؛ ۱۲) «صید جلال»؛ ۱۳) «فلک حیران ز سرگردانی خویش» (همان: ۵۷۹؛ ۱۴) «نقش دل» («ترتیب دلایل»؛ ۱۵) «نور هدایت»؛ ۱۶) «در نعمت» (همان: ۵۸۱)

کنایه

کنایه: ۱) «عطرپرور»؛ ۲) «شکر زبان»؛ ۳) «عنبر فشان»؛ ۴) «قاف تا قاف»؛ ۵) «پخته» (کامل) (همان: ۵۷۸)؛ ۶) «کم چیزی کردن» (۵۸۰)؛ ۷) «انجمن افروز»؛ ۸) «نافه پیوند»؛ ۹) «حلی بند»؛ ۱۰) «عنان به دست چیزی سپردن» (همان، «ترتیب دلایل»؛ ۱۱) «از چیزی ساده بودن»؛ ۱۲) «روشن کتاب» (کنایه از قرآن) (۵۸۱)؛ ۱۳) «راه چیزی را تنگ کردن»؛ ۱۴) «شکر گفتاری»؛ ۱۵) «شیرین کاری»؛ ۱۶) «وفا پرورده»؛ ۱۷) «پای در کوی کسی به گل بودن» (کنایه از تعلق خاطر به کسی) (۵۸۲)

مجاز

«قدح» (مجاز به علاقه ظرف و مظلوف از «شراب»: «رندان قدح خوار» (همان: ۵۷۹)

جمع بندی: در بالا شصت و نه مورد صورخیال معنوی به کار رفته که در این میان: بیست و هفت مورد را استعاره، بیست و چهار مورد را تشبیه، هفده مورد را کنایه و یک نمونه را مجاز در بر میگیرد.

فنون بیانی در صد بیت انتخابی از هفت منظر

تشبیه

تشبیه بلیغ: ۱) کارخانه «کن»؛ ۲) گلستان قدم؛ ۳) بوستان کرم؛ ۴) «شمع و مشعل فروز ماه»؛ ۵) «عجوزه خاک»؛ ۶) تشبیه «صبح» به «پنبه»؛ ۷) تشبیه «افلاک» به «چرخ آنخ ریزی»؛ ۸) «رشته های باران»؛ ۹) «عروس بستان»؛ ۱۰) «بیضه کوب»؛ ۱۱) تشبیه «کوب» به «بچه های زاغ»؛ ۱۲) «باز روز»؛ ۱۳) تشبیه «آسمان» به «گوژپشت پیر»؛ ۱۴) «بدر منیر» به «واحد منیر» (هفت منظر، هاتفی: گ. ۱)؛ ۱۵) «مطبخ جود» (همان: گ. ۲)؛ ۱۶) تشبیه «قاب و قوسین» به «دو کمان روز قربان»؛ ۱۷) تشبیه «پی» (رد پای) اسب رسول (ص) به «آینه»؛ ۱۸) تشبیه «مهر» به «سجاده»؛ ۱۹) «بکر دنیا»؛ ۲۰) تشبیه «نوح» به «طفل»؛ ۲۱) «کشتی نوح» به «گهواره» (تشبیه ملفوف)؛ ۲۲) تشبیه «شهاب» به «عصای نور»؛ ۲۳) «گرده ماه»؛ ۲۴) تشبیه «مشتی» به «شمع پنجمین خانه»؛ ۲۵) «شمع تو» (مشبه به + مشبه)؛ ۲۶) تشبیه «مشتی» به «پروانه»؛ ۲۷) «سنبل موی»

(همان: گ. ۳؛ ۲۸) «لباس حسن»؛ (۲۹) تشبیه «حضرت محمد (ص)» به «طراز لباس حسن»؛ (۳۰) تشبیه «اطلس چرخ» به «پای انداز» (= جا پایی، فرش)؛ (۳۱) تشبیه «شاعر» خود را به «سگان در حضرت رسول (ص) (همان، «نعت آن اختر والای سپهر ارسول گرامی اسلام (ص)»؛ ۳۲) «سپهر جمال»؛ (۳۳) تشبیه «فرزند» به «ماه نو»؛ (۳۴) تشبیه «موی صورت» به «نقاب روی» (همان: گ. ۴؛ ۳۵) «سرمه (ما زاغ)»؛ (۳۶) تشبیه «سایه» به «غلام همبال» (همان: گ. ۵)

تشبیه مرسل مفصل: (۱) «زهر آویختش چو مهره به دم»؛ (۲) «جست برتر بسان برق براق» (همان: گ. ۳)

تشبیه مؤکد مفصل: (۱) «چون زحل دید سنبل مویت نافه مشک آمد از بویت» (همان: گ. ۴)

استعاره

استعاره مصرّحه: (۱) «نقشهای گوناگون»: استعاره از موجودات؛ (۲) «هفت گنبد دوار»: استعاره از هفت آسمان؛ (۳) «خّله»: استعاره از گیاهان و سبزه‌ها؛ (۴) «طرفه زاغان»: استعاره از ستارگان (همان، ستایش خداوند) (همان: گ. ۱)؛ (۵) «قفل حکمت»: استعاره از دهان حضرت رسول (ص)؛ (۶) «سرای سپنج»: استعاره از دنیا؛ (۷) «سپهد انجم»: استعاره از بهرام مریخ که در آسمان پنجم منزل دارد؛ (۸) «طارم پنجم»: استعاره از آسمان / فلک پنجم؛ (۹) «لاجوردی طاق»: استعاره از دنیا (همان: گ. ۴)

استعاره مکنیه: (۱) «نور ایمان» (نور / خورشید / چراغ / ایمان) (همان: گ. ۲)؛ (۲) «قفل حکمت» (حکمت به گنجی تشبیه شده که قفل دارد)؛ (۳) «کنگر عرش»؛ (۴) «به عطارد رسید عطا از تو»؛ (۵) «چارمین چرخ را سرور از تو»؛ (۶) «چشم خورشید»؛ (۷) «چون زحل دید سنبل مویت» (همان: گ. ۳)؛ (۸) «چرخ اطلس فکنده پای انداز»؛ (۹) «جیب عرش»؛ (۱۰) «هم زبان تو بس بود قلمت» (گ. ۴)؛ (۱۱) «سایه ات بس بود غلام همبالت که دود گه گهی به دنبالت» (همان: گ. ۵)

کنایه: (۱) «کسی را از کنشت بر آوردن»: کنایه از مؤمن و مسلمان کردن او را؛ (۲) «تبه کردن»: کنایه از گناه کردن؛ (۳) «سر مو»: کنایه از مقدار کم؛ (۴) «قلم رفتن»: کنایه از مقدر شدن سرنوشت و تقدیر؛ (۵) «قلم رفته»: کنایه از سرنوشت محتوم؛ (۶) «سیه کاری»: کنایه از فسق و گناه (همان، «ستایش خداوند»؛ ۷) «خواجه دو سرا»: کنایه از حضرت محمد (ص)؛ (۸) «قرشی تخت»؛ (۹) «هاشمی افسر»؛ (۱۰) «شه بطحا»: کنایه / صفت هنری از حضرت رسول (ص) (همان، گ. ۱۰)؛ (۱۱) «باد بودن»: کنایه از بی ارزش بودن؛ (۱۲) «جهان نوال»: کنایه از حضرت رسول (ص) (اشاره به بخشندگی ایشان)؛ (۱۳) «کم از خلال بودن»: کنایه از بی ارزش بودن؛ (۱۴) «طفیل راه کسی بودن»: کنایه از وابستگی و ارزش

وجودی یافتن به واسطه کسی؛ ۱۵) «تیز کام»: کنایه از تندرو؛ ۱۶) «علوی سنج»: کنایه/ صفت هنری از «که به سوی آسمانهای بالا حرکت میکند»؛ ۱۷) «حلقه به گوش»: ۱۸) «سُم زدن»: کنایه از تاختن اسب؛ ۱۹) «پنج نوبت زدن»: اظهار وجود کردن و سپهداری کردن (همان، گ. ۳؛ ۲۰) «عرش را دامن کسی گریبان شدن»: کنایه از قدم گذاشتن و حرکت در عرش؛ ۲۱) «به یک دم»: کنایه از مدت کوتاه؛ ۲۲) «موی نقاب روی کسی شدن»: کنایه از ته ریش در آوردن و بالغ شدن؛ ۲۳) «به دو زانوی خود نشستن»: کنایه از خلوت گزیدن؛ ۲۴) «همقدان»: هم سن و سالها (همان، گ. ۴؛ ۲۵) «همبال» (= همبالین) همنشین و دوست؛ ۲۶) «از راه رفتن»: کنایه از گمراه شدن؛ ۲۷) «بی رسن به چاه افتادن»: کنایه (مثل گونه) از بی ملاحظگی کردن آسیب دیدن (همان، گ. ۵)

مجاز: ۱) «لاریب»: مجاز جزء و کل از سوره بقره و کل قرآن: «نام تو صدر صفحه لاریب»؛ ۲) «قلم»: مجاز از آفرینش: «دو جهان زاده نو از قلمت» (همان، گ. ۱؛ ۳) «قلم»: مجاز سببیت/ آلت از سرنوشت: «قلم رفته را ولی نه دواست» (همان، گ. ۲؛ ۴) «خوان»: مجاز به علاقه ظرف و مطروف/ آلت از بخشش: «تزد خوان تو ای جهان نوال قدر خوان خلیل کم ز خلال»؛ ۵) «سمند»: مجاز خاص و عام از اسب: «بر سیم زینه زد سمندت سُم»؛ ۶) «رخش»: مجاز به علاقه خاص و عام از اسب: «ای خوش آن دم کز ام هانی جای سوی اقصی نهاد رخت پای» (همان، گ. ۳)

در این صد بیت بررسی شده از هفت منظر هاتفی از عناصر زیبایی شناسی، ۹۲ مورد صورخیال معنوی به کار رفته که در این میان، ۳۹ مورد را تشبیه، ۲۷ مورد را کنایه، ۲۰ مورد را استعاره، ۶ مورد را مجاز در بر میگیرد.

جدول مقایسه تصویرهای معنوی در ۱۰۰ بیت انتخابی هفت اورنگ و هفت منظر (به ترتیب تعداد)

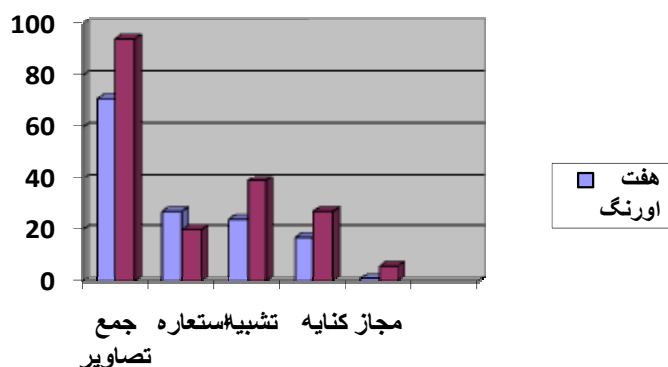
هفت منظر

مجموع تصاویر: ۹۲ مورد
۲۰ مورد استعاره
۳۹ مورد تشبیه
۲۷ مورد کنایه
۶ مورد مجاز

هفت اورنگ

مجموع تصاویر: ۶۹ مورد
۲۷ مورد استعاره
۲۴ مورد تشبیه
۱۷ مورد کنایه
۱ مورد مجاز

جدول مقایسه ای فنون بیانی در ۱۰۰ بیت انتخابی هفت اورنگ و هفت منظر



چنانکه ملاحظه میشود به طور کلی تعداد تصویرهای معنوی در هفت منظر ۲۳ مورد بیشتر از هفت اورنگ است که در این میان، جامی بیشتر از همه عناصر صورخیال به استعاره (۲۷ مورد) و هاتفی به تشبیه (۹۴ مورد) توجه داشتند که نشان میدهد جامی از هاتفی بیشتر به استعاره توجه داشته و هاتفی به تشبیه بیشتر از استعاره؛ از این رو میتوان گفت زبان جامی پیچیده تر و شاعرانه تر از زبان هاتفی و به اصطلاح به شعریت نزدیکتر است. شمار کنایه‌ها در هاتفی بیشتر از جامی است. شمار مجاز نیز در هاتفی شش برابر جامی میباشد. بسامد بیشتر کاربرد کنایه در منظومه هاتفی نسبت به جامی نشاندهنده نزدیکتر بودن زبان منظومه هاتفی به زبان مردم دارد.

در بخش نخست - چنانکه دیدیم - از لحاظ فنون بیانی در ۲۳ مورد هفت اورنگ جامی بر هفت منظر تأثیر گذاشته که در این میان سهم تأثیرپذیری هاتفی از جامی در زمینه تشبیه و کنایه بیشتر از صورخیال دیگر بود. البته دیوان جامی (غزله‌ها، قصاید و...) نیز بر صور خیال هاتفی در هفت منظر و مثنویهای دیگر جامی تأثیر داشته است، که با مقاله ما ارتباط نداشته و پژوهشی دیگر را میطلبد.

نتیجه

در بررسی سبک شناسانه آثار ادبی بسامد مطرح است. در مقایسه دو اثر - چنانکه یاد شد - بسامد استعاره در منظومه هفت اورنگ جامی بیشتر است. در اساس، شاعران برجسته فارسی به استعاره بیشتر نظر دارند و جامی نیز در این بررسی به استعاره بیشتر از عناصر دیگر صور خیال توجه داشت که یکی از نشانه‌های برجستگی این شاعر در ادبیات فارسی است. هاتفی نسبت به جامی از کنایه‌های بیشتری استفاده کرد که نشان می‌دهد هاتفی زبان خود را به زبان مردم نزدیک کرده است، در زندگی هاتفی هم آمده که هاتفی از رفتن به دربار شاه تیموری - سلطان حسین بایقرا - خودداری میکرد و اوقات خود را با کشاورزی در ملک خویش می‌گذراند و سعی میکرد خود را از صله دربار دور نگه دارد، که بی گمان این نیز نشانه دیگری از معاشرت شاعر با مردم روزگار خود دارد که در کنایه‌ها و ترکیب‌های عامیانه او در این منظومه ظهور کرده است. بطور کلی تأثیر هاتفی در صورخیال از خال خویش، جامی آنقدرها هم که پیش از پژوهش تصور میشد، زیاد نبود و هاتفی خود از صورخیال نو در منظومه هفت منظر استفاده کرده است.^۱

منابع

۱. آتشکده، آذر، لطفعلی بیگ (۱۳۳۶)، تهران، امیرکبیر، ج ۱ (بخش نخست)
۲. دیوان جامی، جامی، عبدالرحمن (۱۳۸۹)، مقدمه و تصحیح محمد روشن، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
۳. مثنوی هفت اورنگ جامی، جامی، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، به تصحیح و مقدمه آقا مرتضی مدرس گیلانی، تهران، انتشارات سعدی.
۴. لغت نامه دهخدا، دهخدا و همکاران (۱۳۷۷)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۵ ج.
۵. دیوان حافظ یا رندی نامه، حافظ، خواجه شمس الدین (۱۳۹۰)، علی اصغر حلبی، انتشارات زوآر.
۶. «هفت پیکر نظامی و نظیره های آن»، ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۵)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش. ۵۲ و ۵۳، بهار و تابستان، صص ۱۰۸ - ۶۸.

۱. در اینجا بر خود فرض و واجب می دانم که از استادان گرانقدرم، جناب آقای دکتر کامل احمدنژاد و جناب آقای دکتر حسن ذوالفقاری قدردانی کنم که همیشه مرهون راهنماییها و کوچک نوازیهای ایشان هستم، سلامت و توفیق روز افزون را از خدای مهربان برای ایشان خواهانم (سیاوش مرشدی)

۷. تذکره تحفه سام میرزا، سام میرزا، ابوالنصر (۱۳۸۴)، تصحیح و تحشیه رکن الدین همایون فرخ، تهران، انتشارات اساطیر، تهران.
۸. صُورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات آگاه.
۹. تذکره شمع انجمن، صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۳۸۶)، تصحیح و تعلیقات محمد کاظم کهدویی، یزد، انتشارات دانشگاه یزد
۱۰. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳)، انتشارات فردوس، ج ۵، بخش دوم
۱۱. تذکره میخانه، فخرالزمانی، عبدالنبی (۱۳۴۰)، تصحیح و تکمیل احمد گلچین معانی، تهران، انتشارات اقبال
۱۲. نتایج الأفكار، گوپاموی، محمد قدرت الله. (۱۳۳۶)، به کوشش اردشیر بنشاهی، بمبئی، [بی نا]
۱۳. ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، مدرّس، محمد علی (۱۳۴۹)، تبریز، انتشارات شفق، ج ۶
۱۴. خمسة نظامی، نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۵)، بر اساس چاپ مسکو - باکو، انتشارات هرمس، تهران
۱۵. لیلی و مجنون، هاتفی، عبدالله (۱۹۶۲)، تصحیح و مقدمه ی سعدالله اسدالله یف، دوشنبه، دانشکده دولتی تاجیکستان.
۱۶. شیرین و خسرو، هاتفی، عبدالله. (۱۹۷۷)، مقدمه و تصحیح متن انتقادی سعدالله اسدالله، مسکو، انتشارت «دانش» شعبه ادبیات خاور.
۱۷. «هفت منظر»، هاتفی، عبدالله. سده نهم هجری، نسخه خطی کتابخانه ملک به شماره ۵۶۰۰ (سال کتابت ۹۶۹ هجری).
۱۸. تعلیقات بر حدود العالم من المشرق الی المغرب، مؤلف ناشناخته تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا. ۱۳۸۳ .
۱۹. مقاله اسلوب حکایت پردازی در هفت اورنگ جامی، برات محمدی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، زمستان ۹۰، شماره ۱۴.
- ۲۰.

Bibliography

Bernardini, Michele, in ENCYCLOPAEDIA, Encyclopedia Iranica Foundation, 2004, V. XII, p. 55 – 57.

۲۱.

Cuddon, J. A. (1999), *Literary Terms & Literary Theory*, Penguin books.